

محمد؛ زینب و زید

زینب زن زید ابن حارثه بود. زید را خدیجه در جوانی خرید و به محمد بخشید. محمد نیز او را آزاد کرد و مطابق رسم تازیان او را به فرزندی پذیرفت. فرزند خوانده در سنن جاهلیت حکم فرزند را داشته و تمام احکام پدر فرزندی چون ارث و حرمت ازدواج با زن وی در مورد او جاری بوده است.

اطرافیان محمد زید را زید بن محمد می خواندند و زید علاوه بر عنوان پسر خواندگی یکی از یاران صدیق و فداکار محمد هم محسوب می شد.

زینب دختر عمه محمد بود و خود محمد او را برای زید خواستگاری کرد و چون زید بنده آزاد شده بود؛ زینب و برادرش عبدالله از قبول این خواستگاری اکراه داشتند. ولی پس از نزول آیه ۳۶ سوره احزاب دیگر نه زینب و نه برادر قادر به نافرمانی بودند.

سوره احزاب؛ آیه ۳۶

هیچ مرد و زن مومن را در کاری که الله و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رای خلافی اظهار نمایند) و هر کس نافرمانی الله و رسول کند؛ دانسته به گمراهی سختی افتاده است (پیغمبر زینب دختر عمه اش را به زید غلام آزاد کرده خود ازدواج کرد و زینب گفت من از اشراف قریشم غلامی را به شوهری نپذیرم؛ این آیه نازل شد و پذیرفت).

پس از این آیه زینب و عبدالله به درخواست محمد گردن نهادن و زینب را برای زید عقد کردند. ولی پس از اندکی محمد که تا به آن روز زینب را ندیده بود؛ چمشش بر زینب می افتد و مهر زینب در دلش می نشیند. زینب از این مسئله آگاه شده که محمد از او خوشش میاید و از آن به بعد شروع به گلایه و شکایت کرده و زید را آگاه می سازد که از این ازدواج ناراضی است؛ چرا که خود را از خانواده رسول میدانست و زید بنده ای بیش نبود.

پس زید پیش محمد رفت و گفت که میخواهم از زنم جدا شوم. محمد از او پرسید که آیا اتفاقی افتاده است؟ زید جواب داد که نه؛ ولی او خود را برتر و شریفتر از من میدانند و این امر مرا ناراحت کرده است.

سپس این آیه نازل شد:

سوره احزاب؛ آیه ۳۷

و چون تو به آنکس که الله ش نعمت اسلام و تواش نعمت آزادی (یعنی زید حارثه) به نصیحت گفتی برو زن خود را نگهدار و از الله بترس (و طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان میداشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) الله آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از الله سزاوارتر بود بترسی؛ پس ما هم چون زید از آن زن کام دل گرفت و طلاقش داد او را به نکاح تو درآوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح زنان پسرخوانده خود که از آنها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خودش حرج و گناهی نیندارند و فرمان الله به انجام رسید.

از قرار معلوم محمد از یک طرف به زید گفته است که برو زن خود را نگه دار و طلاقش مده و از طرف دیگر این آیه را نازل کرده که هم گواه بر نصیحت خود بوده و هم گواه بر آنچه در دل پنهان میداشته؛ که الله این راز دل محمد را آشکار میکند و میگوید: که تو (محمد) سزاوارتر بود که از الله بترسی تا از حرف مردم؛ پس الله به همین خاطر زینب را از زید طلاق گرفته و به عقد تو (محمد) درمی آورد تا از آن به بعد همه مومنان بتوانند با زنان پسر خوانده خویش ازدواج کنند. خلاصه محمد طلاق آنها را جاری ساخت و خود زید را مامور کرد که برود و به زینب بگوید که الله او را به زنی به او یعنی محمد؛ داده است و خود را برای پذیرایی از محمد آماده کند.

همینطور که آیات بعدی پیداست فقط آیه ۳۷ برای ساکت کردن مردم کافی نبوده و الله؛ کارگزار امور کمر به پایین محمد؛ از تمامی کارهای دنیا دست کشیده و بار دیگر به یاری محمد؛ همدست عزیز خود شتافته.

سوره احزاب؛ آیه ۳۸

پیامبر را در حکمی که الله (در نکاح زنان پسرخوانده) بر او مقرر فرموده گناهی نیست؛ سنت الهی در میان آنان که درگذشتند و هم اینست (که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمت است) و فرمان الله حکمی نافذ و حتمی خواهد بود.

پیغمبر را در این امر گناهی نیست؛ الله او را مجبور به این کار کرده است؛ و آن هم به دلیل این است که باید بین انبیا و مردم عادی در مورد همخوابگی (امر نکاح) فرقی وجود داشته باشد!!!!

معنی این جمله؛ «که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است»، اگر بیشتر توجه کنید؛ این است که انبیا اجازه دارن که با برخی محرمات (کسانی که با او محرم هستند؛ از قیبا مادر، دختر؛ خواهر؛) هم همخوابگی کنند.

سوره احزاب؛ آیه ۳۹
این سنت الله است در حق آنکه تبلیغ رسالت الله به خلق کنند و از الله میترسند و از هیچکس جز الله نمی ترسند و الله برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت میکند.

سوره احزاب؛ آیه ۴۰
محمد پدر هیچیک از مردان شما (زید و عمرو) نیست (پس زینب زن فرزند پیغمبر نبود و پس از طلاق او را تواند گرفت) لیکن او رسول الله و خاتم انبیاست. الله

سوره نسا؛ آیه ۲۳
حرام شد بر شما ازدواج با مادر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادرزن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده اند؛ اگر با زن مباشرت کرده باشید پس اگر دخول با زن نکرده ولی طلاق دهید باکی نیست که با دخترش ازدواج کنید و نیز حرام شد زن فرزندان صلبی **ولی نه زن پسر خوانده** نیز حرام شد جمع میان دو خواهر مگر آنکه پیش از نزول این حکم کرده اند که الله از آن درگذشت زیرا الله در حق بندگان بخشنده و مهربان است.

این آیه ها را هم الله برای دیگر مسلمانان فرستاد تا میان آنها و انبیا فرقی وجود داشته باشد!!!!

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/women/>